

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۲/۱۸

مهدی کشاورز افشار^۱، محمود طاووسی^۲، محمد ضیمران^۳

اندیشه سیاسی ایران‌شهری در نگارگری ایرانی مطالعه موردی: نگاره «بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است»، از خمسه نظامی، مربوط به دوره شاه تهماسب صفوی^۴

چکیده

هدف این مقاله بررسی سویه‌های سیاسی هنر نگارگری ایرانی است. در هنر نگارگری ایرانی نکاتی وجود دارند که از جنبه سیاسی این هنر خبر می‌دهند. توجه مداوم به متون دارای محتوای سیاسی - همچون خمسه و شاهنامه - و کتاب‌آرایی چندباره آنها، نشان دادن پادشاه و رفتار و خصال و ویژگی‌های شاه آرمانی و انتخاب حکایت‌های سیاسی خاص در دوره‌های سیاسی معین، از جمله نکاتی هستند که ابعاد یک مسئله پژوهشی را شکل می‌دهند. مسئله این مقاله، بررسی نسبت هنر نگارگری با سیاست و اندیشه سیاسی است. برای پاسخ به این مسئله از روش تحقیق تاریخی-تحلیلی، و روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. این مقاله، مسئله مورد نظر را در مورد پژوهشی خاص نگاره بهرام گور و شبان، مربوط به خمسه نظامی، مورد بررسی کرده و در نهایت این نتیجه به دست آمده است که برخی از آثار نگارگری، دارای لایه‌ای سیاسی با مضمون اندیشه سیاسی ایران‌شهری و ویژگی‌های سیاست‌نامه‌ای و رویکرد اندرزی-انتقادی-سیاسی هستند.

کلیدواژه‌ها: نگارگری، سیاست‌نامه‌نویسی، اندیشه سیاسی ایران‌شهری، شاه تهماسب صفوی، خمسه نظامی، نگاره بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است.

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران

E-mail: m.afshar@modares.ac.ir

۲. استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: TavooSimahmoud@yahoo.com

۳. استادیار گروه آموزشی فلسفه هنر، دانشگاه ماساچوست امریکا

E-mail: mzaimaran16@yahoo.com

۴. این مقاله برگرفته از رساله دکتری مهدی کشاورز افشار به راهنمایی دکتر محمود طاووسی و مشاوره دکتر محمد ضیمران با عنوان «نسبت میان تصویر و قدرت در دوره قاجاریه متأخر (دوره ناصری تا انقلاب مشروطه)»، در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس است.

مقدمه

در تاریخ نگارگری ایرانی از قرن هفتم ه.ق. به بعد و با شکل‌گیری کارگاه‌های درباری، نکات مهمی وجود دارند که از رویکردهای سیاسی این هنر خبر می‌دهند. در نگاهی سراسری، می‌توان دریافت که در هنر نگارگری ایرانی از این دوره به بعد به متون خاصی از ادب فارسی همچون شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی توجهی مداوم و چندباره شده است. این متون محتوای سیاسی پراهمیتی دارند. پژوهشگران این دو متن را در زمره متونی از یک جریان مهم اندیشه سیاسی در دوره میانه اسلامی ایران، که آن را با عنوان عمومی جریان «سیاست‌نامه‌نویسی» می‌شناسند، دسته‌بندی می‌کنند (رجایی، ۱۳۷۳، ۴۹-۳۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۵، ۱۱۶-۱۱۰؛ کرمی، ۱۳۸۷، ظهیری ناو، ۱۳۸۹). توجه ویژه هنر نگارگری به این دو اثر سیاست‌نامه‌ای در کنار آثار دیگری از جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی همچون قابوس‌نامه عنصرالمعالی، کلیله و دمنه نصرالله منشی، گلستان سعدی و برخی از متون دیگر، پرسش‌های مهمی را در باب وجوه سیاسی این هنر برمی‌انگیزد.

محتوای این آثار ترکیبی از اندیشه سیاسی ایرانشهری و تاریخ پادشاهی ایران باستان و حکایت‌هایی از زندگی و حکومت این پادشاهان بر حول مفهوم مرکزی شاه آرمانی ایرانی و صفات او است. به واسطه همین امر، از آن تاریخ به بعد پادشاه و اعمال او و صفات شاه آرمانی از نظر اندیشه سیاسی ایرانشهری به مهم‌ترین موضوع نگارگری ایرانی تبدیل شد. بیشتر آثار نگارگری در واقع رفتارهای مهم شاهانه و وقایع مهم تاریخ پادشاهی را نشان می‌دهند. از اموری چون بر تخت نشستن، تاج‌گذاری، بارعام، شکار، بزم، عشق، و نظایر اینها گرفته تا جنگ، قضاوت، مجازات مجرمان، مشورت و مانند اینها، پادشاه مهم‌ترین شخصیت سیاسی در نظام سیاسی پادشاهی در ایران بود. به همین خاطر، اعمال او مهم‌ترین کنش‌های سیاسی در عرصه سیاست ایرانی به شمار می‌آمدند. به تصویر کشیدن همین اعمال، از سویه‌های سیاسی هنر نگارگری حکایت دارد.

در نگاهی موردپژوهانه، خمسه نظامی گنجوی در فاصله سال‌های ۹۳۰ تا ۹۵۶ ه.ق. - یعنی زمان حکومت شاه تهماسب صفوی در تبریز- پنج‌بار خوشنویسی و کتاب‌آرایی شد که خمسه شاهی (۹۴۹ - ۹۴۹ ه.ق.) مهم‌ترین نمونه آنها بود (آژند، ۱۳۸۴، ۱۳۹). در این دوره در کنار نگاره‌هایی از داستان‌های معروف عاشقانه خمسه مانند خسرو و شیرین یا لیلی و مجنون برخی از حکایت‌های سیاسی این کتاب نیز نگارگری شده‌اند. نگاره‌هایی مانند «نوشیروان و گفت‌وگوی مرغان در ویرانه» منسوب به آقا میرک، «پیرزن و سلطان سنجر» منسوب به سلطان محمد و نگاره‌هایی از داستان «بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است».

از این میان به ماجرای مواجه شدن بهرام گور با شبانی که سگش را به دار آویخته، از هفت‌پیکر به گونه‌ای درخور تأمل، مورد توجه ویژه قرار گرفته و این داستان به‌طور بی‌سابقه‌ای دست‌کم دوبار نگارگری شده است. [۱] محتوای این داستان محتوایی عاشقانه و یا سرگرم‌کننده نیست، بلکه متأثر از نگاه اندیشه سیاسی آن دوران محتوایی به شدت سیاسی است و از مسائل مهم سیاسی در نظام پادشاهی در اندیشه سیاسی ایرانشهری صحبت می‌کند. نظامی این برش خاص از داستان بهرام گور را از مهم‌ترین متن سیاسی آن دوران یعنی سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی، اقتباس کرده است. مضمون اصلی این داستان مبحث بسیار مهم وزارت، ویژگی‌های وزیر و انتخاب وزیر در نظام سیاسی پادشاهی است. در نگارگری هفت‌پیکر در تاریخ نگارگری ایرانی همواره صحنه‌های عاشقانه این داستان و به‌ویژه صحنه‌های حضور بهرام گور

در هفت‌گنبد، برای تصویرگری انتخاب شده است. انتخاب داستان بهرام گور و شبان به برجسته شدن مؤلفه‌های سیاسی آن در دوره شاه تهماسب انجامیده است.

خود نگاره‌ها نیز فاقد مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی رایج در نگارگری - یعنی صحنه‌های پر تالو درباری- اند. چوپان پیر، بهرام گور، فضای زندگی چوپانی، گله و مهم‌تر از همه- سگی که به دار آویخته شده است، با دهانی باز و زبانی بیرون زده، عناصر غیردرباری و نامأنوس این نگاره‌ها را تشکیل می‌دهند. انتخاب داستانی برای نگارگری که در آن شاه نه در حال بزم است، نه در حال رزم و پیروزی، و نه در حال شکار بلکه در حال اندرزگیری از شبانی پیر، بسیار پرسش‌برانگیز می‌نماید. با توجه به این امر که در نگارگری صحنه‌هایی خاص برای تصویر شدن انتخاب می‌شوند، این پرسش پیش می‌آید که چرا این‌گونه ویژه و مشخص نگارگری داستان «بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است» مورد توجه کارگاه نگارگری تبریز قرار گرفته است؟

نکته دیگری که این پرسش را تقویت می‌کند، این است که این داستان سیاسی در دوره‌ای برای مصور شدن انتخاب شده است که - به استناد متون تاریخی - نکته مهم آن، آشفتگی سیاسی و دست به دست شدن وزارت در میان امرای قزلباش به علت خردسالی شاه تهماسب است. توجه ویژه کارگاه نگارگری شاه تهماسب به داستان بهرام گور و شبان در این سال‌های آشوب سیاسی، پرسش‌های جدی و عمده‌ای را در زمینه اهداف سیاسی این کار برمی‌انگیزد. از جمله اینکه: چه ارتباطی میان انتخاب این داستان برای نگارگری، و محتوای سیاسی آن و اوضاع سیاسی روز وجود دارد؟

نگارگری چندباره‌خمس و تصویر شدن سیاسی‌ترین بخش آن یعنی داستان بهرام گور و شبان از مثنوی هفت‌پیکر در آن دوره سیاسی خاص، یعنی سال‌های نخست حکومت شاه تهماسب صفوی، در کنار موضوع توجه مداوم هنر نگارگری به متونی که جنبه‌های سیاسی پررنگی دارند، یک مسئله پژوهشی را بر می‌سازند. مسئله‌ای که بر لایه سیاسی هنر نگارگری نظر دارد. با توجه به نکات مطرح‌شده، فرضیه مقاله حاضر این است که احتمالاً روابط درخور تأملی میان هنر نگارگری و سیاست و اندیشه سیاسی رایج آن دوران یعنی جریان سیاست‌نامه‌نویسی و اندیشه سیاسی ایران‌شهری- وجود دارد. پرسش‌های متعدد مذکور مرزهای مسئله اساسی این مقاله را تشکیل می‌دهند. مسئله‌ای که می‌توان آن را در این پرسش خلاصه کرد: نگارگری ایرانی چه نسبتی با سیاست و اندیشه سیاسی دارد؟

نسبت میان نگارگری، جریان سیاست‌نامه‌نویسی و اندیشه سیاسی ایران‌شهری

در فاصله بین قرون سوم تا ششم ه.ق. نیروی فرهنگی و سیاسی نظام خلافت عباسی در بغداد در نتیجه ظهور خاندان‌های پادشاهی نیمه‌مستقل ایرانی و سپس سلطنت مقتدرانه قبایل ترک‌زبان در ایران به تدریج رو به ضعف نهاد. در نهایت، این نیرو با ظهور مغولان در افق سیاسی جهان اسلام در قرن هفتم ه.ق. به کلی خاموش شد. به دنبال آن همراه با انتقال مرکز سیاسی از بغداد به حیطة جغرافیای سیاسی ایران، مراکز هنر نگارگری نیز به شهرهای ایرانی منتقل شدند. با این انتقال چرخشی عظیم در انتخاب متون برای کتاب‌آرایی در نگارگری به‌وقوع پیوست. در این دوره از کتاب‌آرایی متون علمی به زبان عربی در نگارگری دست کشیده شد و با اشاره و هدایت وزیرانی ایرانی تبار همچون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، «به‌تدریج متمایل به ادبیات حماسی ایران شد و همگامی با شعر و ادب فارسی را آغاز کرد» (آژند، ۱۳۸۷، ۸۵). شاهنامه فردوسی، خمس

نظامی گنجوی، قابوس‌نامه عنصرالمعالی، کلیده و دمنه نصرالله منشی و گلستان سعدی مهم‌ترین نمونه‌های آثار شعر و ادب فارسی بودند که از آن دوره به بعد مورد توجه هنر نگارگری قرار گرفتند و این توجه تا چند سده ادامه یافت.

اما این آثار شعر و ادب فارسی و این چرخش هنر نگارگری در ایران آن روزگار، صرفاً اموری زیبایی‌شناختی و ذوقی به شمار نمی‌آمدند بلکه اموری به شدت سیاسی بودند. «درواقع، بسیاری از نوشته‌های پراهمیت ادب فارسی، اعم از نظم و نثر به خلاف آنچه به عادت گفته‌اند، به طور اساسی، نوشته‌هایی سیاسی‌اند و نه نوشته‌های ادبی صرف» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۸۴). در فاصله زمانی بین قرون سوم تا ششم ه.ق. به تدریج دو جریان مهم پا به پای یکدیگر در سپهر سیاسی و فرهنگی ایران پدیدار شدند. در این دوره با حمایت خاندان‌های پادشاهی ایرانی - و در ادامه آنها سلاطین ترک - زبان فارسی به عنوان زبان درباری و سیاسی احیا شد و در کنار آن تاریخ و آداب و سنن پادشاهی ایرانی و اندیشه سیاسی ایرانشهری در جغرافیای سیاسی ایران مورد توجه جدی قرار گرفت.

حاصل امتزاج این دو جریان خلق شدن متون مختلف تاریخی، سیاسی، ادبی و جز اینها به زبان فارسی و بر پایه منابع ایرانشهری با محتوای تاریخ پادشاهی ایران باستان و اندیشه سیاسی ایرانشهری بود. شاهنامه فردوسی [۲] در حوزه ادب، و سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک در حوزه سیاست، شاخص‌ترین متون تولیدشده با این رویکرد در دوران مذکور به‌شمار می‌آیند. خلق این آثار در واقع بخشی از جریانی گسترده‌تر از نوعی اندیشه سیاسی در مرزهای ایران بود. این نوع اندیشه سیاسی، که جریان «سیاست‌نامه‌نویسی» نامیده می‌شود، پایه‌های نظری حکومت پادشاهی را در برابر حکومت خلیفگان برمی‌ساخت. «این نکته که آغاز برتری زبان فارسی به عنوان ابزار ادبی با احیای آداب و سنن ایرانی هم‌عنان بود، نشان می‌دهد که جلوه‌های گوناگون نهضت‌های فارسی‌ساز را بهتر است بیشتر ضدعباسی بدانیم تا ضد زبان عربی» (میثمی، ۱۳۹۱، ۳۵). [۳] در این دوره «ایرانیان خود را از جاذبه دستگاه خلافت و نظریه‌پردازان آن رها ساختند و به سنت کهن اندیشه ایرانشهری بازگشتند» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۸۳).

اندیشمندان و مورخان دانش سیاسی، جریان‌های اندیشه سیاسی در دوره میانه تمدن اسلامی را به سه بخش مهم «فلسفه سیاسی، شریعت‌نامه و سیاست‌نامه» تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی را نخستین بار اروین روزنتال در کتاب مهم اندیشه سیاسی در دوره میانه اسلام مطرح ساخت. او در این کتاب «فلسفه سیاسی» را به‌عنوان آمیزه میراث فلسفه سیاسی یونان باستان با شریعت اسلام، «شریعت‌نامه» یا اندیشه خلافت و امامت را با تأکید بر آموزه‌های دینی، و «سیاست‌نامه» را به‌عنوان ادامه اندیشه سیاسی ایرانشهری مطرح می‌کند (Rosental, 1962, 1-10). این تقسیم‌بندی را پس از روزنتال، اندیشمندان دیگری نیز پذیرفتند، و در نتیجه مبنای تحقیق در تاریخ اندیشه سیاسی ایران دوره اسلامی قرار گرفت.

در ایران‌زمین، عمده‌ترین جریان اندیشه سیاسی از میان سه بخش مذکور «سیاست‌نامه» بود که نزدیک به هزار سال تا فراهم آمدن مقدمات جنبش مشروطه مبنای هرگونه عمل سیاسی، نظریه حکومت و نیز اندیشه سیاسی قرار گرفت. «سیاست‌نامه‌نویسی به‌عنوان جریانی از اندیشه سیاسی در ایران که در سپیده‌دم دوره اسلامی ایران‌زمین و در تداوم اندیشه سیاسی ایرانشهری تدوین شد، کهن‌ترین، پابرجاترین و مهم‌ترین جریانی بود که در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران پدید آمد» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۸۵-۸۳). بنیان نظری، کانون توجه و محور اصلی تحلیل سیاسی

سیاست‌نامه‌ها، برخلاف شریعت‌نامه‌ها که رساله‌هایی در دفاع از نظام سیاسی خلافت هستند، همانا نظام سیاسی و حکومت پادشاهی به‌ویژه بر اساس نظریه ایران‌شهری شاه فرهمند آرمانی منتخب خداوند است. یکی از دلایل مهم احیای این اندیشه، توجیه حکومت پادشاهی در برابر حکومت خلیفگان بوده است.

همان‌گونه که ذکر شد، مبنای نظری جریان سیاست‌نامه‌نویسی اندیشه سیاسی ایران‌شهری بود. اندیشه سیاسی ایران‌شهری عبارت است از الگویی قوام‌یافته از تفکر در باب سیاست و حکمرانی در ایران باستان و «مجموعه‌ای از آرا و عقاید ایرانیان در طول تاریخ و درباره اساسی‌ترین مفاهیم سیاسی به‌ویژه مسئله فرمانروایی» (رستم‌وندی، ۱۳۸۸، ۲۵). در واقع پژوهشگران حوزه دانش سیاسی به مجموعه اندیشه‌های ایرانیان باستان در باب سیاست، حکومت و ملک‌داری، «اندیشه سیاسی ایران‌شهری» نام داده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۸، رستم‌وندی، ۱۳۸۸، رضایی راد، ۱۳۷۸).

این اندیشه سیاسی طی دوران اسطوره‌ای و تاریخی ایران باستان از عصر پیشازرتشت تا دوره زرتشتی‌گری ایرانیان نضج یافته و در دوره‌های حکومت هخامنشیان و به‌ویژه ساسانیان نمود عملی پیدا کرده است. مفهوم کانونی این اندیشه سیاسی، نظریه شاه فرهمند آرمانی و مفاهیم جدال کیهانی میان خیر و شر، نظریه نظم مقدس کیهانی (اشه)، سرشت قدسی قدرت، فره نژادی شاه، پیوستگی سیاست با دین، طبقه‌بندی سه‌گانه اجتماعی، خویشکاری و عدالت و نظریه آرمانشهر از مهم‌ترین فقره‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری به شمار می‌آیند (رضایی راد، ۱۳۷۸، رستم‌وندی، ۱۳۸۸، پولادی، ۱۳۸۵، دیلم صالحی، ۱۳۸۴).

بدین ترتیب، اندیشه سیاسی ایران‌شهری در واقع مجموعه‌ای به هم پیوسته از تفکرات در باب حکمرانی مقدس و الهی شاهان آرمانی فرهمند، مبارزه با شر و اهریمن، برقراری نظم کیهانی در جامعه، برپایی عدالت در جامعه بر مبنای نظم کیهانی، آداب و اخلاق ملک‌داری، لوازم حکومت و رعیت‌داری، جنگ با دشمنان ایران و حفظ کشور، پاسداری از دین و نظایر اینها بود. این اندیشه پایه‌هایی نظری را برای مشروعیت حکومت پادشاهی در ایران فراهم ساخت.

علاوه بر مشروعیت‌بخشی، یکی دیگر از ویژگی‌های جریان سیاست‌نامه‌نویسی این بود که حول هدایت و کنترل رفتار سیاسی شخصیت اصلی و محوری نظام سیاسی پادشاهی یعنی شخص پادشاه- بر اساس ویژگی‌های پادشاه آرمانی به انتقاد سیاسی می‌پرداخت. سیاست‌نامه‌نویسی گونه‌ای اندرزنامه‌نویسی است که هدف اساسی آن تعلیم قواعد و اصول پادشاهی و شیوه‌ها و آداب و رسوم حکومت و ملک‌داری به پادشاه بر اساس اندیشه سیاسی ایران‌شهری و همچنین انتقاد از اوضاع سیاسی روز و «ارائه توصیه‌(اندرز)های لازم برای تولید رفتار سیاسی مناسب» (قادری، ۱۳۸۸، ۱۱۶) از سوی پادشاه بوده است. [۴]

از آنجا که در این جریان اندیشه سیاسی، به شاهان اندرزهای سیاسی عرضه می‌شد و انتقاد مستقیم می‌توانست موجب خشم و دل‌آزردگی شاه شود، لازم بود که از روش خاصی پیروی گردد. از این رو سیاست‌نامه‌ها برای القای مطالب خودشان به پادشاهان، بیشتر از روش غیرمستقیم و بیان مقصد در قالب حکایت‌های تاریخی، قصه‌گویی و تمثیل استفاده می‌کردند (یوسفی راد، ۱۳۸۷، ۲۵۷).

بر اساس آنچه که ذکر شد، می‌توان ویژگی‌های اصلی را در بنیان نظری و همچنین هدف و روش در جریان سیاست‌نامه‌نویسی دوره اسلامی‌شناسایی کرد: ۱. توجه به اندیشه سیاسی ایران‌شهری به عنوان بنیان نظری؛ ۲. توجه به اوضاع سیاسی روز و انتقاد از آن، ۳. ارائه

رهنمود به پادشاه برای اصلاح امور سیاسی جامعه و رفتار سیاسی خود، اندر زده‌ی سیاسی به او بر اساس تجربه گذشتگان به‌ویژه رسم ملکان عجم در ملکداری و تعلیم آداب و رسوم ملکداری و سلطنت بر اساس سنت‌های پادشاهی ایران باستان به‌عنوان هدف؛ و ۴. استفاده از شیوه اندر زده‌ی نویسی ایرانی یعنی گنجاندن نکات سیاسی، اندر زده‌ها، نقدها و توصیه‌های سیاسی در دل داستان، حکایت، تاریخ و اخبار به‌ویژه حکایت‌هایی از پادشاهان ایران باستان، به‌عنوان روش، ویژگی‌های مهم خصلت سیاست‌نامه‌ای ایرانی به‌شمار می‌آیند.

این ویژگی‌ها مشخصه اصلی بسیاری از متون فارسی‌اند که در این دوره از تاریخ ایران خلق شده‌اند. در واقع جریان سیاست‌نامه‌نویسی بسیاری از متون مختلف دینی، تاریخی، اخلاقی، ادبی و جز اینها را دربرمی‌گیرد. جواد طباطبایی پنج گرایش اصلی را در این جریان از یکدیگر تمییز داده و آنها را طبقه‌بندی کرده است: ۱. متون سیاسی؛ ۲. تاریخ الوزرا؛ ۳. کتاب‌های تاریخی؛ ۴. متون عرفانی و ۵. متون ادبی (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۱۱۷-۸۶).

از این دیدگاه، آثار ادبی مهمی همچون شاهنامه، خمسه، کلیله و دمنه و گلستان و نظایر اینها را نیز با توجه به هدف و محتوا و نیز مبانی نظری و روش‌شناسی‌شان در رده متون سیاست‌نامه‌ای دسته‌بندی می‌کنند (رجایی، ۱۳۷۳، ۴۹-۳۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۵، ۱۱۶-۱۱۰؛ کرمی، ۱۳۸۷، ظهیری ناو، ۱۳۸۹). این متون ادبی و به‌ظاهر غیرسیاسی «در طول سده‌ها در جهت دادن به رویکرد سیاسی ایرانیان نقش تعیین‌کننده داشته‌اند و ... بخش بزرگی از اندیشه سیاسی ایران‌شهری در دوره اسلامی از مجرای این نوشته‌ها تداوم پیدا کرده و به جزئی از اندیشه سیاسی رایج ایرانیان تبدیل شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۸۶-۸۵).

جریان سیاست‌نامه‌نویسی، علاوه بر متون نوشتاری، بسیاری دیگر از نمودهای فرهنگی ایران را نیز دربرمی‌گرفت. جواد طباطبایی در این باره عقیده دارد که در سپهر فرهنگ ایران، چه در ایران باستان و چه در دوره اسلامی، تقریباً همه آثار فرهنگی و هنری و ادبی به نوعی با فرمانروایی و حکومت و سیاست آمیخته‌اند. «در دوره باستان و نیز در عصر زرین فرهنگ ایران، اندیشه فراگیر، اندیشه سیاسی می‌بوده و هر اندیشه‌ای - از خنیاگری و معماری تا آداب نشست و برخاست رعیت و بزرگان، شطرنج باختن و آیین‌های مربوط به شکار و ... - لاجرم با تکیه به آن اندیشه فراگیر و در درون آن سامان می‌یافته است» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۷۶). از این رو بسیاری از آثار هنری که بی‌ارتباط با سیاست به نظر می‌رسیدند، چه بسا به‌شدت سیاسی بودند.

با این توضیح می‌توان نگارگری را نیز در لایه‌ای سیاسی مورد بررسی قرار داد. با در نظر گرفتن توجه مداوم هنر نگارگری به این آثار سیاست‌نامه‌ای به نظر می‌رسد که ارتباط درخور تأملی میان نگارگری، جریان سیاست‌نامه‌نویسی و اندیشه سیاسی ایران‌شهری وجود داشته باشد. در نگاه نخست می‌توان گفت از آنجا که هنر نگارگری به تصویرگری حکایت‌های این سیاست‌نامه‌ها می‌پرداخت، نگاره‌ها از این طریق محتوای سیاسی حکایت‌های مذکور را برمی‌گرفتند و به این ترتیب به ابزاری برای بیان مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری موجود در حکایت‌ها تبدیل می‌شدند. احتمال دارد که نخبگان ایرانی دربارهای سلاطین غیرایرانی، همچون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در دربار ایلخانی، به دنبال استفاده از نگارگری برای بیان انتقادات سیاسی‌شان از اوضاع سیاسی روز و اندر زده‌ی به پادشاه بوده باشند. در این حالت، توجه کارگاه‌های نگارگری به متون سیاست‌نامه‌ای، این کارگاه‌ها را به نهاد بازگویی اندیشه سیاسی ایران‌شهری و جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی در قالبی تصویری تبدیل کرد.

اما نسبت هنر نگارگری با جریان سیاست‌نامه‌نویسی فقط در تصویرسازی حکایت‌های اندرزگونه، بازگویی محتوای سیاسی متن، نسبت سلسله‌مراتبی متن‌تصویر، و تبعیت تصویر از کلام خلاصه نمی‌شود، بلکه نگارگری گاه خود به اثری مستقل با درون‌مایه‌های سیاسی متفاوت و بیشتر از متن بدل می‌گردد. این امر را می‌توان با توجه به فقره کتاب‌آرایی چندباره و مجدد هر متن سیاست‌نامه‌ای همچون *خمسه* در تاریخ نگارگری بررسی کرد. در برخی از دوره‌های تاریخی و مکتب‌های نگارگری - مثلاً مکتب تبریز در دوره صفوی - با اینکه نسخه‌های متعددی از متن معینی مانند *خمسه* نظامی در کتابخانه دربار موجود بوده، کارگاه نگارگری باز هم به کتاب‌آرایی نسخه‌ای جدید از *خمسه* می‌پرداخته است. «بر اساس فهرست ل.ن. دادخداویا می‌توان یازده نسخه *خمسه* نظامی را که در کارگاه هنری قرن شانزدهم [سده دهم ه.ق.] تبریز با مینیاتور مصور شده‌اند]، شمارش کرد» (نظری، ۱۳۹۰، ۱۵۲).

به‌عنوان مثال، بین سال‌های ۹۳۰ تا ۹۵۶ ه.ق.، یعنی سال‌های حکومت شاه تهماسب صفوی در تبریز، *خمسه* نظامی گنجوی پنج بار کتاب‌آرایی شد. این در حالی است که پیش از آن در دوره شاه اسماعیل، *خمسه* دست‌کم دو بار تصویر شده بود و علاوه بر آن احتمالاً نسخه‌های مصور *خمسه* به جا مانده از ادوار پیشین نیز به‌عنوان غنایم جنگ‌های تبریز و هرات در کتابخانه تبریز وجود داشته است. اگر در امر کتاب‌آرایی قرار بر داشتن نسخه‌ای هنری با اهداف زیبایی‌شناختی است، می‌توان گفت که همان یک یا چند نسخه مصور *خمسه* کافی بوده است و هدف زیبایی‌شناختی حکم می‌کند که کارگاه نگارگری به سراغ کتاب‌آرایی اثری به‌جز *خمسه* برود. اما چرا باز هم *خمسه* برای نگارگری انتخاب می‌شود؟

نکته مهم در نگارگری شدن دوباره اثری مانند *خمسه* این است که هرچند متن در نسخه‌های متعدد یکسان بود اما در هر بار کتاب‌آرایی، نسخه مصور جدید تفاوت‌های عمده‌ای با نمونه‌های پیشین می‌یافت. نخستین تفاوت مهم، از منظر کارکرد اندرزنامه‌ای در دیباچه کتاب آشکار می‌شد. در این دیباچه کتاب مصور جدید به پادشاه دوران تقدیم می‌شد، در حالی که متن و نسخه‌های مصور پیشین به پادشاهان دوره‌های خودشان تقدیم شده بود. برای مثال در حالی که نظامی *خمسه* را با توجه به اوضاع زمانه، طبق سنت سیاست‌نامه‌نویسی در قرن ششم ه.ق. به شاهان و امرای سلجوقی تقدیم کرده بود و مخاطب اصلی این اندرزنامه سیاسی حاکمان سلجوقی بودند، نگارگران کارگاه تبریز نسخه مصور جدید را به شاه تهماسب صفوی تقدیم کردند. «نام شاه تهماسب در مقدمه *خمسه* و روی دیوار کاخ یکی از نگاره‌ها آمده است» (آژند، ۱۳۸۴، ۱۲۷). بدین ترتیب، کتاب جدید و اندرزهای سیاسی آن، اکنون مخاطبی جدید پیدا می‌کرد.

دومین نقطه اختلاف، در انتخاب صحنه‌هایی متفاوت از قبل برای تصویر شدن در هر بار کتاب‌آرایی اثر و یا تغییرات مهم در تصویرگری صحنه‌های مشابه دیده می‌شود. این انتخاب را می‌توان به بافت تاریخی و اوضاع سیاسی روز نسبت داد و آن را از لحاظ سیاسی نیت‌مند و آگاهانه تلقی کرد. با توجه به ویژگی سیاست‌نامه‌ای اثری مانند *خمسه* که در آن می‌توان مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایرانشهری و ویژگی‌های شاه آرمانی را در شرایط مختلف جست‌وجو کرد و اندرزهایی سیاسی را نیز بر اساس همین مؤلفه‌ها و با توجه به شرایط سیاسی زمانه خلق شدن *خمسه* یافت، می‌توان گفت که نگارگران در هر بار تصویر کردن این اندرزنامه سیاسی به اوضاع سیاسی روز توجه داشتند و صحنه‌ای متناسب را، چه در مدح پادشاه و بزرگداشت او و چه در انتقاد از او با توجه به اندیشه سیاسی ایرانشهری، انتخاب می‌کردند. به این ترتیب اوضاع

تاریخی-سیاسی زمان کتاب‌آرایی مجدد متنی مانند خمسه معانی تکمیلی تصاویر را تعیین می‌کند و تصویر را به اثری از لحاظ سیاسی روزآمد و مستقل از متن و نیز تفسیر سیاسی جدیدی از متن بدل می‌سازد.

از سویی دیگر، یکی از نکات مهم در جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی این است که چنین کاری اختصاص به گروه خاصی از متفکران ندارد (رجایی، ۱۳۷۳، ۱۷). همان‌گونه که شاعران ایرانی همچون نظامی به این امر مهم اقدام کرده و با دقت در اوضاع نابسامان زمانه به اندر زده‌ی سیاسی در خلال حکایت‌های‌شان پرداخته‌اند، با دقت در آثار نگارگری می‌توان مشاهده کرد که نگارگران نیز گاه به «سیاست‌نامه‌نگاری» دست زده‌اند. در واقع می‌توان ویژگی‌های اصلی جریان سیاست‌نامه‌نویسی را در برخی از آثار نگارگری جست‌وجو کرد.

نگارگری با توجه نشان دادن به متون سیاست‌نامه‌ای، به تدریج مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری را جذب کرد و آنها را به ویژگی اصلی نگارگری ایرانی بدل ساخت. در واقع موضوع اصلی بیشتر آثار نگارگری، نشان دادن پادشاه در موقعیت‌های مختلف همچون بزم، رزم، شکار، جنگ، قضاوت و نظایر اینها، و ویژگی‌های مورد انتظار از او در چنین موقعیت‌هایی است. این همان کارکرد متون سیاسی مانند سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک است؛ یعنی توصیف ویژگی‌های پادشاه.

بسیاری از آثار نگارگری ایرانی، پادشاهان ایران باستان، داستان‌ها و حکایت‌های آنان، کارهای مهم آنها و نیز لحظه‌هایی خاص از تاریخ حکومت‌شان را به تصویر می‌کشند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، این داستان‌ها و حکایت‌ها صرفاً قصه نیستند بلکه اموری سیاسی‌اند با محتوای اندیشه سیاسی ایران‌شهری. در نگاره‌های مشهور و مهمی همچون «فریدون ضحاک را برمی‌اندازد» و «بارگاه کیومرث» و «مرگ ضحاک»، منسوب به سلطان محمد از شاهنامه شاه تهماسبی؛ و «نوشیروان و گفت‌وگوی مرغان در ویرانه» و «پیرزن و سلطان سنجر» از خمسه شاه تهماسبی و منسوب به همین هنرمند؛ و بسیاری از آثار دیگر در کنار وجوه زیبایی‌شناختی‌شان در واقع مؤلفه‌هایی همچون شاه آرمانی و خصال او، جدال خیر و شر، نظم مقدس‌اشه، سرنوشت شاه در اثر بی‌توجهی به اصول اندیشه سیاسی ایران‌شهری، عدل، و نظایر اینها نیز به تصویر کشیده شده‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت که محتوای درونی بسیاری از آثار نگارگری، اندیشه سیاسی ایران‌شهری و همچنین مؤلفه‌های مهم آن به‌ویژه شاه آرمانی است.

از سوی دیگر، ویژگی روش‌شناختی بارز جریان سیاست‌نامه‌نویسی یعنی استفاده از شیوه‌های بیان هنری - به‌منظور القای نکات سیاسی است که می‌تواند نکته‌ای تعیین‌کننده در بررسی نسبت هنر نگارگری با این جریان اندیشه سیاسی باشد. همان‌گونه که ذکر شد، سیاست‌نامه‌ها در پی انتقاد از زمانه و اندر زده‌ی و تعلیم اصول حکومت به شاه بودند و برای رسیدن به این منظور باید از روش خاصی استفاده می‌کردند که در وهله نخست باعث آزرده‌گی و خشم شاه نشود و از سوی دیگر بیشترین کارآمدی را داشته باشد. فرهنگ رجایی روش اندر زده‌نامه‌نویسی را به دو بخش تقسیم می‌کند: بیان مطلب، و صورت‌بندی آن. به عقیده وی، اندر زده‌نامه‌ها از نظر روش بیان مطلب، بیانی هنری مانند نقاشی و شعر دارند، و از نظر صورت‌بندی مطلب از روش حکمت و حکایت یعنی گنجاندن مفاهیم سیاسی در دل داستان - استفاده می‌کنند (رجایی، ۱۳۷۳، ۲۷-۲۶). از این رو به نظر می‌رسد که هنرهای تصویری، به‌ویژه نگارگری که بسیار مورد توجه پادشاه بود و از آن حمایت می‌کرد، از منظر روش‌شناختی می‌توانستند محل بسیار مناسبی

برای بیان انتقادات و اندرزهای سیاسی به شاهان باشند. در واقع تصویر کردن انتقادهای سیاسی می‌توانست توجه پادشاه را جلب کند و راه حل کارآمدی در بیان آن انتقادات به وی باشد. برخی از رساله‌های سیاست‌نامه‌ای و اندرزی ایرانی آئینه شاهی نام داشتند (Rosental, 1962, 1-10). تصاویر نگارگری از این دیدگاه می‌توانستند آئینه‌ای باشند که پادشاه در آن رفتار نادرست سیاسی خود و نابسامانی‌های زمانه را ببیند. برخی از شواهد حاکی از آن‌اند که توجه به تصاویر به منظور اندرزگیری سیاسی بر مبنای اندیشه سیاسی ایران‌شهری در ایران وجود داشته است. برای مثال، نظامی گنجوی ابیاتی از خمسه را چنین سروده است:

الا ای خردمند با فکر و رای	در استخر یک راست معبر گرای
به تصویر شاهان نگه کن به هوش	ز فرزانی پند ایشان نبوش
کشیدند صورت به احجار و کوه	که پندی بود سوی دانش پژوه[...]
نخستین ز ساسانیان اردشیر	که از هیبتش چشم ناورد شیر
دگر پور آن شاه شاپور راد	که بعد از پدر تاج بر سر نهاد
نمودند تمثال خود را نگار	کز ایشان بود صورتی یادگار
به پهلوی آن با خط پهلوی	نوشتند این نکته معنوی
که تاج شاهی را به ما اورمزد	ببخشید تا کام بدهیم و مزد[...]
مرا شهریاری ز یزدان بود	ز وی مشکلم جمله آسان بود
به من اورمزد این همه داده داد	ز الطاف او دارم این عدل و داد

با دقت در تاریخ خلق شدن برخی از نگاره‌های مهم می‌توان دریافت که در نگارگری ایرانی در لحظه‌هایی خاص از تاریخ، با توجه به اوضاع سیاسی روز، به انتقاد سیاسی پرداخته شده و داستان‌های خاصی از متون سیاست‌نامه‌ای برای نگارگری انتخاب گشته‌اند که مؤلفه‌های بسیار مهم اندیشه سیاسی ایران‌شهری را انعکاس می‌دهند و ظن آن می‌رود که این انتخاب اتفاقی نبوده باشد. این فرضیه را می‌توان به طور مشخص در نگارگری داستان «بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است» از هفت‌پیکر نظامی در سال‌های نخست حکومت شاه تهماسب صفوی به عنوان نمونه پژوهشی مورد بررسی قرار داد و وجوه ارتباط نگارگری با سیاست و اندیشه سیاسی ایران‌شهری را ترسیم کرد.

سیاست و ملکداری در نگاره «بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است»
همان‌گونه که ذکر شد، بین سال‌های ۹۳۰ تا ۹۵۶ ه.ق.، یعنی سال‌های حکومت شاه تهماسب صفوی در تبریز، خمسه نظامی گنجوی پنج بار کتاب‌آرایی شد. خمسه نظامی از مهم‌ترین متون سیاست‌نامه‌ای مربوط به قرن ششم ه.ق. است (رجایی، ۱۳۷۲، ۴۹-۳۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۵، ۱۱۶-۱۱۰؛ کرمی، ۱۳۸۷؛ صفایی، ۱۳۵۳؛ انصاری، ۱۳۷۱؛ فاضلی، ۱۳۸۱؛ متینی، ۱۳۷۰). در میان نگاره‌های این شاهکارهای کتاب‌آرایی خمسه، دو نگاره متفاوت دیده می‌شود. در این نگاره‌ها به حکایت ماجرای اندرزگیری بهرام گور از شبانی که سگش را به دار آویخته بود، از مثنوی هفت‌پیکر پرداخته شده است (شکل‌های ۱ و ۲). ویژگی‌های اساسی جریان سیاست‌نامه‌نویسی را می‌توان در این نگاره‌ها جست‌وجو کرد.

در وهله نخست، در این نگاره‌ها به یک حکایت مشهور سیاسی دوران در جریان

سیاست‌نامه‌نویسی پرداخته شده و محتوای سیاسی این داستان بازتولید گردیده است. داستان بهرام گور و وزیرش «راست روشن» از قرن چهارم هجری به بعد مهم‌ترین الگوی شناسایی وزیر خائن در جریان سیاست‌نامه‌نویسی محسوب می‌شود. این داستان نخستین بار در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک مطرح شده است. پس از او نظامی در هفت‌پیکر و سدیدالدین محمد عوفی در جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات (عوفی، ۱۳۸۴، ۳۱۴-۳۱۳) این داستان را بر مبنای داستان خواجه نقل کرده‌اند.

شرح کوتاه داستان بهرام گور و شبان کرد که سگش را به دار می‌آویزد، از این قرار است که بهرام گور به سبب عیش و نوش‌طلبی در هفت‌گنبد که از ویژگی‌های شخصیتی او در ادبیات فارسی محسوب می‌شود. از امور مملکت غفلت می‌ورزد و کلیه امور مملکت را به وزیرش راست روشن واگذار می‌کند. راست روشن نیز با سوءاستفاده از این غفلت شاه، با ظلم به رعایا به مال‌اندوزی می‌پردازد و خزانه مملکت را تهی می‌کند. وی خیانت را حتی از این حد نیز بالاتر می‌برد و خاقان چین را برای حمله به ایران دعوت می‌کند. پس از آگاه شدن بهرام از حمله خاقان به ایران، به دلیل آماده نبودن ایران از لحاظ نظامی و اقتصادی، بهرام درمانده می‌شود و برای چاره‌اندیشی و شکار سر به صحرا می‌گذارد.

بهرام در گشت و گذار در بیابان با شبانی روبه‌رو می‌شود که سگش را به دار آویخته است. بهرام از چوپان علت دار زدن سگ را جویا می‌شود. چوپان می‌گوید که این سگ به او خیانت کرده، با ماده گرگی درآویخته و هر روز یکی از گوسفندان را به این ماده گرگ می‌بخشیده است. بهرام بی‌درنگ این ماجرا را تمثیلی از اوضاع مملکت می‌انگارد، و میان خود و وزیر و رعایا و چوپان و نیز سگ و گله رابطه‌ای می‌بیند. وی خود را در مقام چوپان، وزیر را در موقعیت سگ گله، و رعایا را به جای گله می‌گذارد و به خیانت وزیرش پی می‌برد. بهرام به کاخ برمی‌گردد و به دادخواهی و برقراری عدل می‌پردازد. ادامه داستان شرح شکایت کردن رعایا -گله- از وزیر و دار زدن راست روشن -سگ- از سوی بهرام -شبان- و برگزیدن وزیری نیک است (نظامی، ۱۳۸۰، ۳۶۰-۳۱۵).

این داستان، آشکارا داستانی است با مضامین پررنگ سیاسی؛ و همان‌گونه که ذکر شد، نظامی آن را از مهم‌ترین و مشهورترین متن سیاسی دوران یعنی سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۸۵-۴۰۸ ه.ق.) -اقتباس کرده است. «سیاست‌نامه به‌راستی یگانه سرچشمه شناخته‌شده و اسپین پرده‌های هفت‌پیکر پیش از ناپدید شدن عرفانی قهرمان داستان است» (بری، ۱۳۸۵، ۴۲). مبنای نظری داستان بهرام گور و شبان چه در سیاست‌نامه و چه در هفت‌پیکر -به‌عنوان داستانی با هدف اندرز سیاسی، بر اندیشه سیاسی ایرانشهری استوار شده است.

تبیین رابطه پادشاه/رعیت با استعاره شبان/رمة و مبحث وزارت در نظام پادشاهی ایران و نیز ویژگی‌های وزیر خوب و انتخاب وزیر، دو مفهوم سیاسی اصلی داستان بهرام گور و شبان هستند که از اندیشه سیاسی ایرانشهری برگرفته شده‌اند. همچنین عدالت شاه، تفحص شاه در امور مملکت و رعایا و آگاهی سیاسی او، بررسی کردن اعمال درباریان و پرسیدن احوال رعایا که همگی ویژگی‌های شاه آرمانی را برمی‌سازند، از دیگر مفاهیم ایرانشهری در نحوه حکومت و ملک‌داری به‌شمار می‌آیند که در این داستان به عنوان مبنای نظری مورد توجه قرار گرفته‌اند.

رابطه سیاسی میان پادشاه و رعایا در اندیشه سیاسی نظام پادشاهی ایران با استعاره شبان-رمة تبیین می‌شود. اندیشه شبان بودن شاه و رمة بودن رعایا در پی رسوخ اندیشه سیاسی ایران باستان، به دوره اسلامی نیز منتقل شد و در متون سیاست‌نامه‌ای به مهم‌ترین مفهوم تبیین‌کننده

رابطه پادشاه/رعیت بدل گردید. غزالی در نصیحه‌الملوک می‌نویسد: «روز قیامت والیان را بیارند و حق تعالی گوید شما شبانان گوسپندان من بودید...» (غزالی، ۱۳۶۷، ۲۲). سعدی نیز در بوستان در این موضوع می‌نویسد:

میازار عامی به یک خردله که سلطان شبان است و عامی گله
(سعدی، ۱۳۶۳، ۵۹)

نویسنده مقدمه شاهنامه ابومنصوری در قرن چهارم ه.ق. درباره این رابطه، چنین نوشته است: «...و هم گویند که از پس مرگ گیومرث صد و هفتاد و اند سال پادشاهی نبود، و جهانیان یله بودند چون گوسپندان بی شبان در شبانگهی» (معین، ۱۳۳۲، ۱۹). عنصرالمعالی نیز در قابوس‌نامه می‌نویسد: «خداوندان چون شبان باشند و کهتران چون رمه. اگر شبان بر رمه خویش به رحمت نباشد [و] ایشان را از سباع نگه ندارد رود هلاک بشوند» (عنصرالمعالی کیکاووس ابن اسکندر، ۱۳۷۵، ۲۲۹).

نظامی در داستان بهرام گور و شبان دقیقاً در پی تبیین همین استعاره شبان-رمه، به ویژه نقش شبان در مراقبت از گله برمی‌آید. در داستان نظامی بهرام وقتی از شبان و دار زدن سگ او عبرت می‌گیرد و با خود می‌گوید:

در نمودار آدمیت من من شبانم، گله رعیت من
(نظامی، ۱۳۸۰، ۳۲۹)

این ابیات ترجمان شعری سخن سیاسی خواجه نظام‌الملک در فصل چهارم سیاست‌نامه است: «بهرام گور را این حدیث عجب آمد. چون از آنجا بازگشت، همه راه در این حال تفکر می‌کرد تا بر اندیشه او بگذشت که "رعیت ما رمه مانند و وزیر ما امین ما"...» (خواجه نظام‌الملک، ۲۵۳۵، ۳۴-۳۳). نجم‌الدین رازی نیز در مرصادالعباد در تبیین رابطه شاه، رعیت، شبان، گله و گرگ می‌نویسد: «پادشاه چون شبان است و رعیت چون رمه. بر شبان واجب است که رمه را از گرگ نگاه دارد و در دفع شر او کوشد» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۶۵، ۴۳۵).

دومین و مهم‌ترین درون‌مایه سیاسی ایران‌شهری داستان بهرام گور و شبان و موضوع محوری وجه اندرزی این داستان، موضوع وزارت است. میحث وزارت از مباحث اساسی در اندیشه سیاسی ایران‌شهری است و نهاد وزارت در اندیشه سیاسی ایران‌شهری مهم‌ترین و مقتدرترین نهاد پس از نهاد شاهی و مکمل پادشاه به‌شمار می‌آید.

در عصر اسلامی، به‌ویژه از دوره نوپادشاهان بی‌تجربه سلجوقی به بعد، وزرای ایرانی نقشی مهم در تدبیر سیاسی و اداره امور جامعه به عهده داشتند. خواجه نظام‌الملک طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی^[۵] نامدارترین وزرای ایرانی بودند که علاوه بر نقش‌آفرینی در عرصه سیاست با نوشتن کتاب‌های مهم سیاست‌نامه، اخلاق ناصری و جامع‌التواریخ، در شکل‌گیری اندیشه سیاسی ایرانی نیز تأثیرگذار بودند.

در جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی، نهاد وزارت نقش بسیار مهمی در ساختار سیاسی و اداره کشور دارد. در متون سیاست‌نامه‌ای، وزیر سامان‌بخش امور کشور معرفی شده است. در این متون انتخاب وزیری نیک از مسئولیت‌های مهم پادشاه به‌شمار آمده، و برگزیدن وزیری نیک از سوی پادشاه برای رسیدن به آرامش و آبادانی و قدرت، مورد تأکید قرار گرفته است. در سیاست‌نامه‌ها «همواره وزیر چهره‌ای به‌غایت عالی و یا دانی دارد. هر جا که وزیر شخصیتی مثبت دارد، آبادانی ملک و شکوه ملک به مدد او مهیاست، اما هر جا که وزیر در پی هوای نفس و

مال‌اندوزی و خیانت به سلطان و سعایت نیکان نزد ملک است، سیه‌روزی رعیت و پادشاه همراه اوست» (حیدری‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۳۳).

خواجه نظام‌الملک در فصل چهارم سیاست‌نامه با عنوان «اندر احوال عمال و بر رسیدن پیوسته از حال ایشان و وزراء» پیش از شرح داستان بهرام گور و وزیرش راست روشن، می‌نویسد: «... صلاح و فساد پادشاه و مملکت بدو [وزیر] باز بسته باشد، که چون وزیر، نیک‌روش باشد، مملکت آبادان بود و لشکر و رعایا خشنود و آسوده و بابرگ باشند و پادشاه فارغ‌دل؛ و چون بدروش باشد، در مملکت آن خلل تولد کند که در نتوان یافت و همیشه پادشاه سرگردان و رنجور دل بود و ولایت مضطرب» (خواجه نظام‌الملک، ۲۵۳۵، ۳۱). و در جای دیگر می‌نویسد: «گفتیم که عمال و شغل ایشان تعلق به وزیر دارد و وزیر نیک پادشاه را نیکوسیرت و نیکونام گرداند و هر پادشاهی که او بزرگ شده است و بر جهانیان فرمان داده است و نام او تا به قیامت به نیکی می‌برند، همه آن بوده‌اند که وزیران نیک داشته‌اند» (خواجه نظام‌الملک، ۲۵۳۵، ۲۳۳). از این فقره چنین برمی‌آید که آسودگی شاه، آمادگی اقتصادی و نظامی دولت، آبادانی مملکت و خشنودی و رضایت رعایا به انتخاب وزیری نیک‌روش از سوی پادشاه وابسته است.

نظامی که در مقدمه هفت‌پیکر یک بار به اهمیت وزارت در نظام پادشاهی اشاره کرده و با یاد کردن از وزرای مشهوری همچون ارسطو و بزرگمهر و خواجه نظام‌الملک، وزیر را هم‌تراز شاه معرفی کرده بود، بار دیگر در داستان بهرام گور و شبان به اهمیت انتخاب وزیری نیک تأکید می‌کند. مضمون سیاسی اصلی و وجه اندرزی داستان بهرام گور و شبان در هفت‌پیکر نظامی، موضوع وزیر نیک و وزیر بد، انتخاب وزیر نیک از سوی پادشاه و تفحص در کارهای او، و نقش وزیر در سرنوشت جامعه است. در این داستان نقش وزیر در رابطه شبان و رمه با استعاره سگ تبیین شده است. خویشکاری اصلی وزیر در این‌گونه رابطه سیاسی، حفاظت از گله یعنی جامعه است:

اینکه دستور [وزیر] تیزبین من است در حفاظت گله امین من است

(نظامی، ۱۳۸۰، ۳۲۹)

در داستان بهرام گور و شبان، دو مضمون سیاسی مذکور طبق منطق سیاست‌نامه نویسی، در دل داستانی از زندگی یکی از پادشاهان ایران باستان یعنی بهرام گور پادشاه ساسانی گنجانده شده است. با تصویر شدن این داستان در نگاره‌های مورد نظر این مقاله، در واقع مؤلفه‌های ایران‌شهری داستان نیز به نگاره‌ها منتقل شده و مورد توجه قرار گرفته‌اند.

این نگاره‌ها ترجمان تصویری دقیقی از داستان هستند. نگاره‌ها به دقت به تمامی عناصر اصلی سیاسی داستان، یعنی بهرام گور، شبان، گله و سگ به دار آویخته شده توجه کرده و آنها را تصویر کرده‌اند. در یکی از نگاره‌ها (شکل ۲)، ابیاتی از داستان که روبه‌رو شدن بهرام با صحنه دار زدن سگ را توصیف می‌کند در متن تصویر گنجانده شده است. از این رو با توجه به محتوای سیاسی داستان و همچنین سنت قرار دادن نگاره در صفحه مقابل داستان در کتاب‌آرایی ایرانی، نگاره‌ها نیز محتوای سیاسی داستان را یافته‌اند و دو مضمون سیاسی ایران‌شهری مذکور در نگاره‌ها به دقت تصویرپردازی شده‌اند.



شکل ۲. بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است، طرح نقاشی منسوب به میرزا علی (به نظر استوارت کری و لشن) برای مجموعه شاهانه آثار نظامی برای شاه تهماسب، تبریز، حدود ۱۵۴۰ م. منبع: موزه هنرهای زیبا، بوستون (بری، تصویر شماره ۴۳، ۱۳۸۵).



شکل ۱. بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است، طرح نقاشی منسوب به میرزا علی (به نظر استوارت کری و لشن) برای مجموعه شاهانه آثار نظامی برای شاه تهماسب، تبریز، حدود ۱۵۴۰ م. منبع: موزه هنرهای زیبا، بوستون (بری، تصویر شماره ۴۳، ۱۳۸۵).

گنجانده شدن مضامین سیاسی در اثری هنری، توجه به حکایتی از نحوه حکومت و ملکداری یکی از پادشاهان ایران باستان و توجه به مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری و جوهی از ویژگی‌های سیاست‌نامه‌ای این نگاره‌ها بر اساس مبانی نظری و روش‌شناسی جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی را نشان می‌دهند. اما مهم‌ترین نکته در این جریان از اندیشه سیاسی، یعنی انتقاد از نابسامانی‌های زمانه و اوضاع سیاسی روز، در این نگاره‌ها چه جایگاهی دارد؟ توجه به وقایع تاریخی سال‌های حول و حوش تصویر شدن این نگاره‌ها می‌تواند وجه انتقادی آنها را آشکار سازد. مایکل بری در تفسیر خود بر هفت‌پیکر می‌نویسد: «نقاشان درباری سده‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی [نهم و دهم ه.ق.] همواره روایت هفت‌پیکر از این داستان [بهرام گور و شبان] را به تصویر می‌کشند. برای اینان، شبان و سگ و رمه تمثیل‌های تصویری کلاسیک شاه و وزیر و مردم می‌شوند» (بری، ۱۳۸۵، ۴۳).

با دقت در اوضاع سیاسی نخستین سال‌های حکومت شاه نوجوان، تهماسب صفوی، می‌توان شباهت‌های نزدیکی میان این دوره با اوضاع سیاسی داستان هفت‌پیکر و به‌ویژه وزارت راست روشن پیدا کرد. از این رو به نظر می‌رسد که انتخاب این داستان برای نگارگری خمسه اتفاقی و بی‌سبب نبوده است. مائیس نظرلی در تحقیقی نشان داده است که انتخاب داستان‌های ادبی برای نگارگری در مکتب تبریز صفوی اتفاقی نبوده و با اوضاع تاریخی زمان به‌ویژه رویدادهای زندگی شاه به عنوان سفارش‌دهنده نگارگری، ارتباطی تنگاتنگ داشته است. از نظر او نقاشان کارگاه نگارگری تبریز رویدادهای متن ادبی را با رویدادهای زندگی شاه تطبیق می‌داده‌اند. نظرلی این نوع نگارگری را گونه «تاریخی - مستند» می‌نامد و اعتقاد دارد که در این آثار موضوع ادبی پارادایم

موضوع تاریخی، و شخصیت ادبی پیش‌نمونه (پروتوتیپ) شخصیت تاریخی می‌شود و همزمان دو الگوی ادبی و تاریخی را ارائه می‌کند (نظری، ۱۳۹۰، ۶۹-۲۷).

از سوی دیگر میان شاه تهماسب صفوی و بهرام گور نیز می‌توان شباهت‌های شخصیتی پیدا کرد. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی شاه تهماسب صفوی همچون جوان بودن و عیش‌طلبی به نظر می‌رسد که نقاشان کارگاه تبریز، بهرام گور را شبیه‌ترین فرد به این شاه جوان یافته و او را به‌عنوان پیش‌نمونه ادبی شاه تهماسب در نظر گرفته‌اند. توجه به این نکته که تهماسب در ۲۶ ذی‌الحجه ۹۱۸ ه.ق. به دنیا آمده و به گفته شرف‌خان بدلیسی تولد او در برج دلو روی داده است و بهرام گور نیز در برج دلو به دنیا آمده است (نظری، ۱۳۹۰، ۴۷)، می‌تواند دلایل انتخاب بهرام گور را به‌عنوان پیش‌نمونه ادبی شاه تهماسب واضح‌تر کند. از این رو «بی‌سبب نیست که تهماسب در دوران شاهزادگی، شکارچی دلیری مصور شده است که بر حیوانات مخوف مختلف حتی دیوها غلبه می‌کند» (نظری، ۱۳۹۰، ۱۵۹) مانند پیش‌نمونه ادبی‌اش، بهرام گور.

در باب اوضاع سیاسی سال‌های نخست حکومت شاه تهماسب موضوعی که متون تاریخی این دوره برجسته کرده و به آن پرداخته‌اند، فقره جنگ قدرت میان امیران قزلباش برای دستیابی به وزارت یا بنا بر واژه‌شناسی سیاسی صفویان، «وکالت» [۶] این شاه خردسال است. تاریخ این دوره مهم سیاسی که سرشار از دسیسه‌های پنهانی به‌منظور دستیابی به قدرت است، برای تحلیل نگاره‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تهماسب میرزا در هنگام مرگ پدر مقتدرش شاه اسماعیل اول صفوی در شب دوشنبه ۱۹ رجب ۹۳۰ ه.ق. تقریباً فقط ده سال داشت. ده سال اول سلطنت این شاه به دلیل خردسالی او عرصه کشمکش و رقابت امیران قزلباش با ایرانیان صاحب‌مقام از یک‌سو و میان خودشان از سوی دیگر، برای کسب قدرت و مقام وکالت بود. در این دوران «سران اویماقات قزلباش...کوشیدند از جوانی شاه برای دامن زدن به دشمنی‌های تفرقه‌انداز دیرین و جلب نظر شخص شاه نسبت به خویش بهره‌جسته و به محض دستیابی موقت به قدرت، ابتدا رقبا و سپس...متحدان پیشین خود را از صحنه سیاست حذف کنند» (باکه گرامون، ۱۳۸۴، ۵).

اسکندربیک تصویر روشنی از این اوضاع به دست می‌دهد. وی در عالم‌آرای عباسی می‌نویسد: «در اوایل سلطنت و فرمانروایی آن حضرت [شاه تهماسب] امور دولت از چند جنبه دچار اختلال بود. میان امرا و ارکان دولت به جهت امر وکالت و تعصب اویماقیت منازعه پدید آمد منجر به قتال و جدال گردید و هر چند گاه یکی از اعظام امرای درگاه و ریش‌سفیدان دولتخواه متکفل امر وکالت و صاحب اختیار امور دولت بودند و آن حضرت در اوایل حال به جهت حوادث سن در امور دولت تغافل ورزید...» (اسکندربیک منشی، ۱۳۷۷، ۷۷). خود شاه تهماسب نیز صفحات نخست تذکره‌اش را به توصیف همین اوضاع اختصاص داده است - که نشان از اهمیت آن دارد. او در پایان گزارشش برای اینکه خود را مسلط و آگاه بر اوضاع نشان دهد - هرچند که به نظر اسکندربیک چنین نبود - می‌نویسد: «...برین مقدمات مذکور صبر می‌کردم تا ببینم در میانه خواسته کردگار چیست» (شاه تهماسب، ۱۳۶۳، ۵).

این تغافل شاه سبب شد دیو سلطان روملو که در ۹۳۰ ه.ق. از طرف شاه اسماعیل به مقام امیرالامرای سپاه رسیده بود و در به تخت نشاندن شاه تهماسب نیز با تاجلو خانم مادر شاه تهماسب و کپک سلطان امیر مقتدر استاجلو همکاری کرده بود، درصدد به‌دست آوردن مقام وکالت شاه نیز برآید. او با تجمیع این دو مقام، قدرتمندترین مرد ایران شد. «در وقایع‌نامه‌های

صفوی از دیو سلطان به عنوان دارنده این هر دو مقام یاد شده است» (باکه گرامون، ۱۳۸۴، ۸). او از خردسالی شاه تهماسب سود برد و در قدم نخست خواجه جلال‌الدین محمد خواند میر تبریزی، وکیل‌السلطنه شاه اسماعیل، و در قدم بعد کپک سلطان استاجلوی مدعی را از میان برداشت. حسن‌بیک روملو با ذکر دلایل دشمنی دیو سلطان و کپک سلطان، موضوع اصلی را مسئله وکالت معرفی می‌کند: «در این سال (۹۳۱ ق.ه.) در میان دیو سلطان روملو و کپک سلطان استاجلو به واسطه وکالت غبار نقار درگرفت» (روملو، ۱۳۵۷، ۲۴۷-۲۴۵).

دیو سلطان پس از در دست گرفتن زمام امور، فرمان سوزاندن خواجه جلال‌الدین را صادر کرد. شاه تهماسب «بعضی قبایح که از [خواجه جلال‌الدین] صادر شده بود» (شاه تهماسب، ۱۳۶۳، ۳) را دستاویز دیو سلطان برای سوزاندن او بیان می‌کند؛ اما عبدی بیک شیرازی در تکمیل‌الخبار به نکته‌ای اشاره کرده است که از منظر این مقاله بسیار اهمیت دارد. او فقره «کشف تصرفات و تقلبات او [خواجه جلال‌الدین تبریزی]، در اندک زمانی که صاحب اختیار شده بود» (عبدی بیک شیرازی، ۱۳۶۹، ۶۰) را علت سوزانده شدن خواجه مطرح می‌کند.

دیو سلطان پس از قدرتیابی چندان توجهی به موقعیت شاه نداشت و تا ۹۳۳ ق.ه. که بر مسند وکالت بود در قدرت‌نمایی زیاده‌روی می‌کرد. همین امر باعث شد که خود او نیز در توطئه‌ای در ۲۵ شوال ۹۳۳ ق.ه. به دست چوه سلطان تکلو کشته شود و برای مدتی چهارساله چوه سلطان به مقام وکالت دست یابد. چوه سلطان نیز در ذی‌قعدة ۹۳۷ ق.ه. به سرنوشت اسلاف خود گرفتار آمد و به دست حسین خان شاملو کشته شد. حسین خان شاملو هم تا سال ۹۴۰ ق.ه. زمام امور حکومت را به تنهایی در دست داشت و در این سال به فرمان شاه تهماسب که دیگر بزرگ شده بود به اتهام جاسوسی برای عثمانیان و نقشه مسموم کردن شاه، به قتل رسید.

درون‌مایه این اوضاع آشفته سیاسی و اختلالی که اسکندر بیک منشی در امور دولت می‌دید، با درون‌مایه سیاسی داستان بهرام گور و شبان یکی است: موضوع وزارت. شخصیت پادشاه سرگردان و رنجور و وزیر بدروش، موضوع اصلی ده سال اول حکومت شاه تهماسب صفوی به شمار می‌آید. تغافل شاه در امور مملکت به سبب خردسالی‌اش باعث شده بود که در آن ده سال موضوع وزیر بدروش و وزیر نیک‌روش و انتخاب وزیر جزو مباحث سیاسی داغ دربار باشد. در این دوره امرای قزلباش برای کسب قدرت سیاسی فضایی سرشار از اتهام و دسیسه را به وجود آورده بودند. بر مبنای همین درون‌مایه بود که دیو سلطان روملو خواجه جلال‌الدین را با اتهام وزیر بدروش و خائن سوزاند و خود و چوه سلطان نیز کشته شدند و به‌ویژه حسین‌خان شاملو که جاسوسی عثمانی را می‌کرد - همان‌گونه که راست روشن جاسوسی خاقان چین را می‌کرد - به دستور شاه تهماسب اعدام شود.

درواقع خواجه جلال‌الدین و حسین‌خان شاملو با اتهاماتی کشته شدند که از ویژگی‌های وزیر بدروش و خائن در سیاست‌نامه‌نویسی به شمار می‌آید. اتهام تصرف و تقلب در امور مملکت و خیانت به شاه و جاسوسی دشمن، اتهاماتی بودند که پیش‌تر در داستان بهرام گور و راست روشن مطرح شده و مبنای یکی از اندرزهای سیاسی مهم در جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی قرار گرفته بود. همان‌گونه که ذکر گردید، داستان بهرام گور و وزیرش راست روشن از قرن چهارم هجری به بعد مهم‌ترین الگوی شناسایی وزیر خائن در جریان اندرزنامه‌نویسی سیاسی محسوب می‌شود. اگر فقره عیش طلبی و لذت‌جویی شاه تهماسب در نخستین سال‌های حکومت وی و بی‌توجهی به امور مملکت در کنار موضوع وزارت قرار گیرد، شباهت این شاه صفوی با بهرام گور و واقعه

راست روشن کامل می‌شود. شاه تهماسب پیش از توبه کردن، در نخستین سال‌های حکومت خود به عیش و نوش اهمیت فراوان می‌داد. ابوالحسن قزوینی در کتاب فوایدالصفویه ذکر می‌کند که شاه تهماسب از ۱۶ سالگی به نوشیدن شراب پرداخت (ابوالحسن قزوینی، ۱۳۶۷، ۲۷). او «مجلس بزم تشکیل می‌داد، با خوب‌رخان به مصاحبت می‌نشست، باده‌گساری می‌کرد» (پارسادوست، ۱۳۷۷، ۶۰۸).

حسن روملو در احسن‌التواریخ در باب رفتار شاه تهماسب در ۹۳۵ ه.ق. می‌نویسد: «در بیلاق خرقان هر روز صورت فرح و سرور روی می‌نمود»؛ و در جای دیگر اظهار می‌دارد که شاه تهماسب در همان سال پس از جمع‌آوری نیرو در ساروقمش توقف کرد و چون در آن موقع ماه مبارک رمضان به پایان رسیده بود، او «دو سه روز به لوازم جشن و سرور و عیش و حضور پرداخت» (روملو، ۱۳۵۷، ۲۷۶-۲۷۴). بوداق قزوینی نیز در ذکر توطئه حسین خان شاملو برای مسموم کردن شاه و زهرآلود کردن جام شاه تهماسب می‌نویسد: «شبی نواب را میل صحبت و باده شد. ساقیان سیمین‌ساق می‌ناب به گردش درآوردند» (بوداق قزوینی، ۱۳۷۸، ۱۶۴). باده‌نوشی و عیش‌طلبی شاه تهماسب او را به شخصیت بهرام گور ساسانی در هفت‌پیکر نظامی نزدیک‌تر کرده است. بهرام گور نیز در هفت‌پیکر فردی عشرت‌طلب است که همین مشخصه او - به‌ویژه عیش و نوش وی در هفت گنبد سبب بی‌اطلاعی از امور مملکت و واقعه راست روشن می‌شود.

نزاع بین قزلباشان کشور را به نوعی جنگ داخلی دچار کرده بود و شاه تهماسب به علت کودکی و عیش‌طلبی توان نظم دادن به امور را نداشت. «جنگ داخلی صدمات فراوانی به کشور زد، به‌گونه‌ای که در یکی از وقایع‌نامه‌ها چنین نوشته شده است: «جامعه نظم و ترتیب نداشت و سردرگمی کشور را تجزیه کرده بود» (سیوری، ۱۳۷۲، ۵۱). این اوضاع سبب شد که دو دشمن سرسخت ایران، یعنی ازبکان در شرق و عثمانیان در غرب، سرزمین را مورد تاخت‌وتاز خود قرار دهند. به عبارت بهتر، کشور دچار بی‌نظمی و نابسامانی کامل شده بود.

هدف اصلی سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی ارائه رهنمودهای سیاسی برای اصلاح نابسامانی‌های جامعه و رفتار سیاسی پادشاه بود. از این رو سیاست‌نامه‌ها بی‌سبب نگاشته نمی‌شدند، بلکه با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی روز و در مقام انتقاد از آن و با هدف اصلاح امور به رشته تحریر درمی‌آمدند. «بحث درباره نابسامانی‌های زمانه یکی از اساسی‌ترین مبانی سیاست‌نامه‌نویسی است. به جرئت می‌توان گفت که همه سیاست‌نامه‌های پراهمیت با نقادی زمانه آغاز می‌شوند» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۵۲).

در فاصله بین این سال‌های نابسامانی سیاسی، یعنی ۹۳۰ تا ۹۴۰ ه.ق.، خمسه نظامی سه‌بار کتاب‌آرایی شد و از ۹۴۰ تا ۹۵۶ ه.ق. نیز دو بار دیگر داستان‌های این کتاب به تصویر کشیده شد. دو نگاره مورد نظر مقاله در همین دوران تصویر شده‌اند. با کنار هم چیدن وقایع تاریخی و وقایع داستان می‌توان میان اوضاع سیاسی عهد شاه تهماسب و شخصیت و ویژگی‌های او و اهداف تصویر شدن چندباره داستان بهرام گور و شبان و سگ دار زده‌شده در مجموعه خمسه نظامی، نوعی ارتباط یافت. با توجه به شواهد موجود، می‌توان گفت که این داستان به طور اتفاقی در این دوره برای به تصویر درآمدن انتخاب نشده است. به نظر می‌رسد که اهداف سیاسی خاصی در نگارگری این داستان خاص از میان داستان‌های عاشقانه خمسه وجود داشته است. از این رو می‌توان دو هدف سیاسی را با در نظر گرفتن دو نکته زمان احتمالی آفریده شدن

این نگاره‌ها و اینکه مخاطب اصلی و سفارش‌دهنده این آثار شخص شاه بود، در پس تصویر شدن این داستان در این دوره جست‌وجو کرد. نخست اینکه اگر نگاره‌های مذکور هم‌زمان با این وقایع خلق شده باشند هدفی سیاست‌نامه‌ای، یعنی اندر زدهی سیاسی به شاه تهماسب و تعلیم او برای توجه بیشتر به مسئله وزارت را می‌توان به عنوان دلیل تصویر شدن این داستان فرض کرد. توجه به نگاره‌هایی دیگر از خمسه نظامی که در این دوران کشیده شده‌اند، یعنی نگاره «نوشیروان و گفت‌وگوی مرغان در ویرانه» منسوب به آقا میرک که بر مفهوم ظلم و عدل اشاره دارد و «پیرزن و سلطان سنجر» منسوب به سلطان محمد که داستان عدالت را تصویر می‌کند، و هر دو نگاره همچون نگاره بهرام و شبان صحنه‌ای غیردرباری و تا حدودی ناخوشایند را با مایه‌های عمیق سیاسی و اندرزی ترسیم می‌کنند، می‌توانند موجب تقویت این فرض شوند.

هدف دیگر این است که اگر نگاره‌ها بعد از این وقایع سیاسی به‌وجود آمده باشند، ثبت تاریخی این وقایع، یادآوری به شاه و تذکر به او را می‌توان به عنوان هدف سیاسی این نگاره‌ها در نظر گرفت. در هر دو حال، انتقاد سیاسی و دادن اندرز سیاسی به شاه مهم‌ترین دلیل نگارگری داستان بهرام گور و شبان در سال‌های نخست حکومت شاه تهماسب را تشکیل می‌دهند. این‌گونه نگارگری را می‌توان گونه انتقادی-سیاسی نامید.

به این ترتیب، وجوه سیاست‌نامه‌ای این نگاره‌ها کامل می‌شود. نگاره‌های مذکور تمامی ویژگی‌های جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی را در خود دارند. پرداختن به مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران شهری، روایت داستانی از پادشاهان ایران باستان، گنجاندن نکات سیاسی در دل اثری هنری و مهم‌تر از همه انتقاد از اوضاع سیاسی، هریک از این نگاره‌ها را به اثر سیاسی مستقلی با اهداف سیاست‌نامه‌ای تبدیل کرده است.

به نظر می‌رسد که نگارگران کارگاه تبریز در کنار اهداف هنری با استفاده از هنر نگارگری به بیان اندیشه‌های سیاسی نیز پرداخته باشند. سیاست‌نامه‌نویسی انتقادی به گروه معینی از متفکران اختصاص نداشت. سیاست‌نامه‌نویسان با توجه به دانش سیاسی و تاریخی‌شان بر این نکته آگاهی داشتند که اوضاع زمانه با وضعیت مطلوب فاصله بسیار دارد [۷]. نگارگران ایرانی به سبب اینکه در کتابخانه‌ها نشو و نما می‌یافتند با کتاب‌های مهم تاریخی، ادبی، علمی، اخلاقی و سیاسی آشنا می‌شدند. آنان در واقع در دوره‌هایی، جزو نخبگان سیاسی دربار و مشاوران شاه به شمار می‌آمدند.

شواهد تاریخی نشان می‌دهند که در مکتب تبریز، نگارگر و کارگاه نگارگری و خود نگارگری جایگاه مهمی در جامعه سیاسی و دربار داشته‌اند. [۸] دقت در فرمان مورخ ۲۷ جمادی‌الاولی سنه ۹۲۸ ه.ق. شاه اسماعیل صفوی مبنی بر نصب کمال الدین بهزاد به کلانتری کتابخانه همایون، نکته‌های مهمی را در باب مقام سیاسی نگارگری در دربار آشکار می‌کند. در این فرمان، شاه اسماعیل، کلانتری کارگاه نگارگری را امر مهمی از «کرایم مهمات سرکار کامرانی» و نیز از «عظایم امور کارخانه جهانبانی»، یعنی امری در حیطه سیاست و ملکداری برشمرده و اهمیت و اعتبار این مقام را به امرا، وزرا، نواب، ایلچیان و مباشران امور سلطانی و متصدیان مهم دیوانی، یادآور شده است (قاضی احمد قمی، ۱۳۸۳، ۱۳۶).

در همین کارگاه بود که نگارگرانی چون کمال‌الدین بهزاد، سلطان محمد، میرک اصفهانی، میرمصور، میر زین‌العابدین و دوست دیوانه؛ مونس، مقرب، معاشر، مشاور و مصاحب و ندیم شاه تهماسب و - فراتر از اینها - برخی‌شان، استاد این شاه بودند (اسکندر بیگ‌منشی، ۱۳۷۷، ۲۷۷-).

۲۷۲؛ منشی بوداق قزوینی، ۱۳۷۸، ۱۴۴؛ عالی افندی، ۱۳۶۹، ۱۰۶-۱۰۵-۱۰۶). به نظر می‌رسد که در کارگاه تبریز، نگارگران با توجه و دقت در اوضاع سیاسی روز، با انتخاب داستان‌هایی خاص از ادبیات سیاست‌نامه‌ای ایرانی برای نگارگری به گونه‌ای غیرمستقیم به اندر زده‌ی سیاسی شاه و تعلیم و تربیت او بر اساس رسوم شاهانه پرداخته و سنت سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی را در شکلی تصویری ادامه داده‌اند.

نگارگران با دقت در اوضاع سیاسی روز و با تصویر کردن داستان‌هایی خاص در گونه اندرزی-سیاسی، گاه در کنار فراهم کردن لوازم لذت‌جویی پادشاه، او را از لحاظ سیاسی هدایت می‌کردند و با طرح مسائل سیاسی و مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری در دل نگاره‌هایی از تاریخ و حکایات پادشاهان ایران باستان، به یادآوری و آموزش سنت و رسم ملکان عجم در سیاست و ملکداری و جلب نظر سلطان وقت به میانه رفتن (تعادل) در رفتار سیاسی می‌پرداختند. بر این اساس، هدف از این نوع نگاره‌ها اندر زده‌ی به سلطان برای نزدیک کردن شیوه حکومت او به شیوه‌های ملکداری شاه آرمانی بود. «... پادشاه چنان باید که بر نهاد و روش آن پادشاهان برود که پیش از او بوده‌اند، به نیکوکرداری و پندنامه‌های ایشان برخواند که ایشان را زندگانی بسیار بوده است و تجربت‌های بسیار افتاده است و نیک از بد به درآورند.» (امام محمد غزالی، ۱۳۶۷، ۱۱۲) [۹].

نتیجه‌گیری

نگارگری ایرانی، هنری است پیچیده و چندلایه که زیبایی‌شناسی و مفاهیم ادبی و عرفانی تنها لایه‌هایی معدود از این هنر هستند که تا کنون مورد توجه و کاوش قرار گرفته‌اند. بسیاری از آثار نگارگری ایرانی، افزون بر ویژگی‌های هنری و ادبی و عرفانی‌شان، دربردارنده اهداف و سویه‌های سیاسی بسیار مهمی نیز هستند. درواقع سیاست و اندیشه سیاسی از بنیادی‌ترین قلمروهای تاریخ نگارگری ایرانی‌اند و فهم بسیاری از آثار نگارگری به فهم ساحت سیاسی آنها وابسته است. با توجه به آنچه که ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که نگارگری ایرانی از قرن هفتم ه.ق. به بعد با توجه نشان دادن به جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی و کتاب‌آرایی متون سیاسی ادبی مهم این جریان همچون شاهنامه و خمسه، به بخشی از اندیشه سیاسی ایرانی تبدیل شد. با این کار نگارگری هم به بازتولید مؤلفه‌های سیاسی این متون پرداخت و هم به راهکاری برای حضور اندیشه سیاسی ایران‌شهری در دوره اسلامی و حفظ آن و انتقال این اندیشه سیاسی به دوره‌های بعد؛ و مهم‌تر از همه اینکه، به راهی برای نفوذ این اندیشه‌ها به دربار سلاطین دوره اسلامی ایران تبدیل گردید.

وجه سیاسی هنر نگارگری در این لایه متوقف نشد و این هنر با جذب مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری - به‌ویژه شاه آرمانی - به‌تدریج اهدافی سیاسی و انتقادی را دنبال کرد. در بیشتر آثار نگارگری، پادشاه تصویر شده است و از این رو در واقع در کار در این هنر به توصیف صفات خوب هر حکمران در قامت پادشاه آرمانی در اندیشه سیاسی ایران‌شهری پرداخته می‌شود: از آداب بر تخت نشستن یا شکار و بزم و نظایر اینها گرفته، تا رعایت عدالت و جدال با بدی‌ها و دیوان یا حفظ امنیت و جز اینها. این دقیقاً همان کاری است که متون سیاست‌نامه‌ای به آن پرداخته‌اند. در این حالت نگارگری تنها از طریق داستانی که تصویر می‌کند با جریان سیاست‌نامه‌نویسی و اندیشه سیاسی ایران‌شهری پیوند نمی‌یابد، بلکه خود به اثری سیاست‌نامه‌ای

با وجوه انتقادی بدل می‌شود. روش‌شناسی خاص جریان سیاست‌نامه‌نویسی، یعنی گنجاندن نکات سیاسی در دل امری زیبایی‌شناختی، سبب شد که آثار نگارگری نیز به بخشی از جریان سیاست‌نامه‌نویسی تبدیل شوند.

با ارتقای مقام نگارگران در دربار، به‌خصوص در دوره صفوی، کارگاه‌های نگارگری به نهادهایی برای تولید اندیشه سیاسی تبدیل شدند. پیوند کارگاه نگارگری با کتابخانه سلطنتی یا همان محل نگهداری دانش سیاسی، این کارگاه را به منشأ تولید اندیشه سیاسی بدل کرد. با توجه به این نکته که وظیفه کلانتری کارگاه و کتابخانه نیز کم‌کم بر عهده هنرمندان نهاده شد، می‌توان دریافت که زان پس دیگر نگارگران فقط تولیدکنندگان لوازم لذت و سرگرمی شاه با هنر خود نبودند بلکه به اندیشمندانی سیاسی بدل شده بودند که گاه به انتقاد از اوضاع سیاسی روز نیز می‌پرداختند. این نگارگران با انتخاب حکایاتی سیاسی همچون حکایت «بهرام گور و شبان»، «نوشیروان و گف‌ت‌و‌گویی مرغان در ویرانه» و «پیرزن و سلطان سنجر» و مانند اینها، مهم‌ترین مفاهیم اندیشه سیاسی ایران‌شهری را که عبارت بود از شاهی آرمانی، فره ایزدی شاه، عدالت و امثال اینها، در نگارگری متبلور می‌کردند و با دقت در اوضاع سیاسی روز به اندرزدی پادشاه بر مبنای رسم ملکان عجم می‌پرداختند.

در پاسخ به مسئله مقاله، می‌توان در نهایت گفت که نگارگری در کنار لایه‌های هنری و زیبایی‌شناختی، دارای لایه سیاسی بسیار مهمی نیز هست. از بعد جریان‌شناسی تاریخی سیاسی، در این لایه از نگارگری بر جریان سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی در دوران میانه اسلامی توجه شده و از لحاظ نظری بر اندیشه سیاسی ایران‌شهری استوار است. نگاره‌های بهرام گور و شبان نمونه‌هایی کامل از نگاره‌های سیاسی هنر نگارگری ایرانی به شمار می‌آیند. این دو اثر به طور کامل ویژگی‌های مهم اندیشه سیاسی ایران‌شهری را دارا هستند. این ویژگی‌ها سبب می‌شوند که این نگاره‌ها در فرآیند سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی دسته‌بندی شوند و فارغ از متن سیاست‌نامه‌ای که تصویر می‌گردد، خود اثری مستقل در این فرآیند به شمار آیند و در واقع نگاره‌ای انتقادی-سیاسی شوند.

روی هم رفته می‌توان گفت که محتوای نظری نگارگری ایرانی اندیشه سیاسی ایران‌شهری بود. این اندیشه سیاسی چنان برای شکوفایی هنر نگارگری حیاتی بود که هم‌زمان با افول این اندیشه در اواخر دوره صفوی و سپس دوره قاجار، هنر نگارگری نیز به تدریج رو به زوال رفت و از نیروی درونی خود تهی شد و به تصویر کردن حاکمان سیاسی روز پرداخت و نه صفات و خصال پادشاه آرمانی مورد نظر اندیشه سیاسی ایران‌شهری.

پی‌نوشت‌ها

۱. ممکن است تعداد نگاره‌های دربردارنده این موضوع، بیش از دو نگاره باشد؛ گو اینکه فقط تعداد بیشتر اهمیت چندانی در تفسیر سیاسی این نگاره‌ها ندارد. به هر حال نگارندگان فقط به همین دو نگاره دسترسی داشتند.

۲. در مورد اهمیت سیاسی شاهنامه، مثلاً در همان سال‌های نخست سروده شدن، می‌توان به روایتی از پیروزی محمود غزنوی، یمین‌الدوله، بر مجدالدوله دیلمی اشاره کرد. ابن اثیر در الکامل فی‌التاریخ چنین می‌نویسد: «چون خبر دستگیری مجدالدوله به یمین‌الدوله رسید، به ری عزیمت کرد... و مجدالدوله را احضار کرد و به او گفت: آیا شاهنامه را خواندی؟... گفت: بلی. گفت: حال تو و حال آن کس که این کتاب خوانده چیست...؟» (ابن اثیر، ۱۳۵۱، ۸۵).

۳. بلعمی در مقدمه ترجمه تفسیر طبری به زبان فارسی رابطه زبان فارسی و نظام پادشاهی را این گونه

بیان می‌کند: «اینجا بدین ناحیت زبان پارسی است و ملوکان این جانب ملوک عجم‌اند» (بلعمی، ۱۳۶۷، ۵).
 ۴. تعلیم و تربیت شاهان و شاهزادگان بر اساس مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری از الزامات مهم شاه آرمانی ایرانی به شمار می‌آید. شاه آرمانی ایرانی در تعریفی موجز، فردی از تبار شاهان است که از جانب خداوند برای پادشاهی برگزیده می‌شود و الزامات و صفاتی ویژه دارد. فره ایزدی، نژاد شاهی و تعلیم و تربیت شاهانه و همچنین الزامات و اقتدار و عدالت و دینداری، از صفات اصلی شاه آرمانی هستند (رضایی، ۱۳۷۸، ۳۱۲-۲۷۳). به این ترتیب، شاه آرمانی «شخصیتی است که دارای برترین صفات انسانی است و به بهترین وجه تربیت شده است» (حیدری‌نیا، ۱۳۸۶، ۷۳). در منابع یونانی و به‌ویژه نوشته‌های گزنفون و افلاطون، بر این الزام شاهان در ایران تأکید شده است (مجتبایی، ۱۳۵۲، ۳۰-۲۶). این تعلیم و تربیت به عنوان نوعی الزام بر مفهومی بسیار مهم در اندیشه سیاسی ایرانی که همانا آداب حکومت و ملک‌داری است، تأکید داشت و موضوع اصلی آن تدبیر امور کشور و نحوه اداره مملکت بود.

۵. با در نظر گرفتن این نکته که خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به عنوان شخصیتی سیاسی با تأسیس ربع رشیدی نقشی بسیار مهم در شکل‌گیری و قوام و دوام هنر نگارگری ایرانی داشت، می‌توان خطوط ارتباط دیگری نیز میان هنر نگارگری و حوزه سیاست رسم کرد که در این مقاله نمی‌گنجد.

۶. منصب وکالت را شاه اسماعیل و با عنوان وکیل نفس نفیس همایون ایجاد کرد. او این مقام را «بدین منظور ایجاد کرده بود که نایب خودش و بعد از وی قدرتمندترین مقام در امور سیاسی و مذهبی باشد» (سیوری، ۱۳۷۲، ۳۵).

۷. ابن بلخی در مورد این افراد می‌نویسد: «جمشید[کسانی که به لطافت و خردمندی و ذكاء و معرفت موسوم بودند، ... و بعضی را فرمود تا حکمت آموزند تا در صلاح دنیاوی بدیشان رجوع کنند و به رای روشن ایشان منازم ملک را مضبوط دارند، از آنچه مصالح ملک به حکمت نگاه توان داشت...» (ابن بلخی، ۱۳۸۵، ۳۰).

۸. نگارگری، نگارگران و کارگاه نگارگری در این دوره چنان اهمیتی می‌یابند که به عرصه تاریخ وارد می‌شوند؛ یعنی عرصه‌ای که در فرهنگ ایرانی فقط به ثبت رویدادهای مهم سیاسی و بزرگان سیاسی اختصاص داشت. در این دوره برای نخستین بار تاریخ هنر نگارگری نگاشته شد و تذکره‌نویسانی چون دوست‌محمد گواشانی و قاضی احمد قمی متونی اختصاصی درباب زندگی و احوال نگارگران و تاریخ نگارگری نوشتند. مورخان رسمی دربار صفوی همچون اسکندر بیک منشی نیز به این هنر توجه کردند و وقایع مربوط به آن را در متون رسمی تاریخی وارد ساختند. این امر نشان از جایگاه سیاسی-تاریخی هنر نگارگری در این دوره دارد. ۹. شاه تهماسب صفوی در تذکره‌اش مطلبی را بیان می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت سیاسی این به‌ظاهر قصه‌ها در نظر پادشاه ایران است. او در شرح حمله سوم سلطان سلیمان عثمانی به ایران در ۹۵۵ ه.ق. در اثر تحریک‌های القاس میرزا، برادرش که به عثمانی پناهنده شده بود، می‌نویسد: «سلطان سلیمان عقل و فهم صدق و کذب او [القاس] را نیازموده برخاسته متوجه این صوب شدند. خود را سبک و خفیف نموده از هزار صلابت و هیبت که از ایشان در دل مردم هر ولایت بود همگی هیچ و پوچ شده گویا هرگز این ابیات بگوش ایشان نرسیده بود و مطالعه سیر و تواریخ و قصص نمی‌نمایند» (شاه تهماسب، ۱۳۶۳، ۴۶). او در این تذکره همواره از ابیات فردوسی، نظامی و سعدی برای بیان مطالب سیاسی بهره می‌برد.

فهرست منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۸۴) مکتب نگارگری تبریز و قزوین-مشهد، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۷) «شاهنامه نگاری در مکتب شیراز (۸۵۵ - ۷۰۰ هجری)»، فرهنگ و مردم، سال هفتم، بهار، شماره ۲۴ و ۲۵، صص. ۸۴-۹۷.
- ابن اثیر (۱۳۵۱) *الکامل فی التاریخ*، ترجمه: علی هاشمی حائری، ج. ۱۶، تهران.
- ابن بلخی (۱۳۸۵) *فارسنامه*، تصحیح و تحشیه گای لیسترانج و رینولد ان نیکلسون، اساطیر: تهران.
- اسکندر بیک منشی (۱۳۷۷) *تاریخ عالم آرای عباسی*، ج. ۱، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، نشر دنیای کتاب، تهران.
- انصاری، شهره (۱۳۷۱) «خردنامه‌های نظامی»، مجله فرهنگ، کتاب دهم، پاییز، صص. ۵۳-۳۱.
- باکه گرامون، ژان لویی (۱۳۸۴) «فهرستی از امرای شورشی استاجلو در سال ۹۳۲ ق. ۱۵۲۶ م.»، ترجمه: کیومرث قرقلو، نامه تاریخ‌پژوهشان، سال اول، شماره ۳، پاییز، صص. ۳۹-۴۰.
- بری، مایکل (۱۳۸۵) *تفسیر مایکل بری بر هفت‌پیکر نظامی*، ترجمه: جلال علوی‌نیا، نشر نی، تهران.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۶۷) *ترجمه تفسیر طبری*، تصحیح حبیب یغمایی، چاپ سوم، انتشارات توس، تهران.

- بوداق منشی قزوینی (۱۳۷۸) *جواهرالخبار*، به کوشش محسن بهرام‌نژاد، میراث مکتوب، تهران.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۷۷) *شاه تهماسب اول*، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- پولادی، کمال (۱۳۸۷) *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام*، مرکز، تهران.
- حیدری‌نیا، صادق (۱۳۸۶) *شهریار ایرانی، دیباچه‌ای بر نظریه سیاست در ایران*، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران.
- خواجه نظام‌الملک طوسی (۲۵۳۵) *سیرالملوک (سیاست‌نامه)*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- دیلم صالحی، بهروز (۱۳۸۴) *از نظم سیاسی تا نظم کیهانی در اندیشه ایرانی*، مرکز بازشناسی اسلام ایران، انتشارات باز، تهران.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳) *معرکه جهان‌بینی ما*، شرکت انتشارات احیا کتاب، تهران.
- رستم‌وندی، تقی (۱۳۸۸) *اندیشه ایران‌شهری در عصر اسلامی*، امیرکبیر، تهران.
- رضایی راد، محمد (۱۳۷۸) *مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی*، طرح نو، تهران.
- روملو، حسن‌بیگ (۱۳۵۷) *احسن‌التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، انتشارات بابک، تهران.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۶۳) *بوستان*، تصحیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲) *ایران عصر صفوی*، ترجمه: کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران.
- شاه تهماسب بن اسماعیل بین حیدری الصفوی (۱۳۶۳) *تذکره شاه تهماسب*، با مقدمه ام‌الله صفوی، انتشارات شرق، تهران.
- شاهکارهای نگارگری ایران (۱۳۸۴) *موزه هنرهای معاصر تهران*، تهران.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۳) «آیین کشورداری ایرانیان در آثار حکیم نظامی»، نخستین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره آیین کشورداری ایرانیان، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، آبان‌ماه، صص. ۱۷۷-۱۶۸.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۷۵) *خواجه نظام‌الملک*، طرح نو، تهران.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۸) *درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*، کویر، تهران.
- ظهیری ناو، بیژن و دیگران (۱۳۸۹) «سیر و تداوم اندیشه‌های ایران‌شهری در کلیله و دمنه»، نشریه علمی-پژوهشی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳ (پیاپی ۷)، پاییز، صص. ۹۶-۷۷.
- عبدی بیک شیرازی (۱۳۶۹) *تکمله‌الخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۱ ه.ق.)*، تصحیح عبدالحسین نوایی، نشر نی، تهران.
- عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر (۱۳۷۵) *قابوس‌نامه*، تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۴) *جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات*، به کوشش جعفر شعار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- غزالی، امام محمدبن محمدبن محمد (۱۳۶۷) *نصیحه‌الملوک*، به کوشش جلال‌الدین همایی، چاپ سوم، مؤسسه نشر هما، تهران.
- فاضلی، قادر (۱۳۸۱) «راه و رسم فرمانروایی در اندیشه نظامی گنجوی»، نشریه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره بیستم، زمستان، صص. ۳۰۰-۲۸۳.
- قادری، حاتم (۱۳۸۸) *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، انتشارات سمت، تهران.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷) *فوائد‌الصفویه، تاریخ سلاطین و امرای صفوی پس از سقوط دولت صفویه*، تصحیح مریم میراحمدی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- قمی، قاضی میراحمدبن شرف‌الدین حسین منشی (۱۳۸۳) *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، منوچهری، تهران.
- کرمی، محمدحسین؛ نوروزی، زینب (۱۳۸۷) «اندیشه سیاسی ایران‌شهری در اسکندرنامه نظامی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۴ (پیاپی ۲۱)، زمستان، صص. ۲۰۶-۱۷۵.
- متینی، جلال (۱۳۷۰) «اندیشه سیاسی در هفت‌پیکر نظامی»، نشریه ایران‌شناسی، زمستان، شماره ۱۲، صص. ۷۷۹-۷۶۵.
- مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۵۲) *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*، انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان، تهران.

- مصطفی عالی افندی (۱۳۶۹) مناقب هنروران، ترجمه: توفیق سبحانی، سروش، تهران.
- معین، محمد (۱۳۳۲) برگزیده نثر فارسی، دوره‌های سامانیان و آل بویه، کتاب فروشی زوار، تهران.
- میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۱) تاریخ‌نگاری فارسی، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، ترجمه محمد دهقانی، نشر ماهی، تهران.
- نجم‌الدین رازی (۱۳۶۵) مرصادالعباد، به کوشش محمد امین ریاحی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- نظامی گنجه‌ای (۱۲۸۰) هفت‌پیکر، تصحیح حسن وحید دستگردی، نشر قطره، تهران.
- نظری، مائیس (۱۳۹۰) جهان دوگانه مینیاتور ایرانی، تفسیر کاربردی نقاشی دوره صفوی، ترجمه: عباس علی عزتی، فرهنگستان هنر، تهران.
- یوسفی راد، مرتضی (۱۳۸۷) «روش‌شناسی سیاست‌نامه‌نویسی» در روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، به کوشش داوود فیرجی، صص. ۲۶۴-۲۴۳، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران.
- Rosenthal, Erwin (1962) *Political Thought in Medieval Islam*, Cambridge University Press, UK.